رنگ و بوم

نمایشگاه نقاشی در حرم امام (ره)

نمایشگاه نقاشی، عکس و پوستر اسما الحسنی، از دیروز در حرم امام خمینی (ره) برگزار شده است. این خبر را واحد ارتباطات و رسانه اداره کل هنرهای تجسمی منتشر کرده و توضیح داده که این نمایشگاه با عنوان «سال سی ۳۰» مصادف با سی‌امین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (ره) و همزمان با چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران به همت ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی (ره)، اداره کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه توسعه هنرهای معاصر و انجمن تجسمی استان تهران و تودی پوسترز در حرم بنیانگذار انقلاب برپا می‌شود.

در نمایشگاه «سال سی ۳۰»، ۱۲ قطعه عکس از «محمود عبدالحسینی» ویژه مراسم ارتحال امام خمینی(ره) و ۹۹ پوستر از ۷۷ هنرمند گرافیست به کوشش علی وزیریان از پانزدهمین نمایشگاه سالانه حروف‌نگاری پوستر اسماالحسنی با مرور بر آثار منتخب ۱۴ دوره گذشته این نمایشگاه، به نمایش گذاشته می‌شود.

علاوه بر عکس و پوستر، نقاشی‌هایی از هنرمندانی همچون حبیب‌ا... صادقی، ایرج اسکندری، احمد خلیلی‌فرد، کاظم چلیپا، فرامرز پیلارام، غلامعلی طاهری، مرتضی اسدی، محمد پولادی، کیخسرو خروش، ناصر پلنگی، مصطفی ندرلو و مصطفی گودرزی نیز در این نمایشگاه به تماشا گذاشته می‌شود.

همچنین در نمایشگاه «سال سی ۳۰»، کارگاه هنری توسط احمد رویایی برگزار می‌شود. این کارگاه‌ها در حاشیه نمایشگاه در فضای شمال غربی حرم مطهر امام خمینی (ره) از ساعت ۹ صبح تا ۲۰ برگزار خواهد شد.

در این کارگاه ۱۵ تن از اساتید حوزه نقاشی و پنج نفر از دانشجویان این رشته همکاری خواهند کرد. قرار است، ۳۰ اثر از بهترین آثار خلق شده در این کارگاه‌ها به حرم اهدا شود.

عطف

کتاب تازه سیدمهدی شجاعی منتشر شد

تازه‌ترین اثر سیدمهدی شجاعی با عنوان «دین به چه درد می‌خورد» از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شد. این خبر را مهر منتشر کرده و توضیح داده که شجاعی، پس از انتشار کتاب «کمی دیرتر» بارها خبر از نگارش و انتشار جلد دوم این رمان را داده بود و در سال‌های اخیر جز دو کتاب برای مخاطب کودک اثر تازه‌ای روانه بازار کتاب نکرده بود. اثر تازه شجاعی نیز غیرداستانی است و با موضوع دین‌شناسی با روش استفهامی نوشته شده است.

بنابر اعلام ناشر، شجاعی در تازه‌ترین اثر خود با عنوان دین به چه درد می‌خورد دست به تلفیقی زیبا از دو تجربه خود در نویسندگی زده است و اثری خلق کرده نه داستان است و نه متنی عارفانه. بلکه با درونمایه‌ای از طنزی ملایم و البته با استفاده از عناصر زبانی ساده درصدد بازخوانی استفهامی از چالش‌های دینداری در عصر مدرن است.

شجاعی برای این موضوع کتاب خود را با روش اثبات معکوس شروع می‌کند و با برشمردن برخی از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ساختارهای زیستی در جامعه دینمدار و قدم به قدم جلو آوردن و نفی کردن گزاره‌های ساده استنتاج شده از این موضوع، درباره کارکردهای واقعی دینمداری در زندگی اجتماعی به صحبت پرداخته است.

در بخشی از این اثر می‌خوانیم: واقعیت این است که منابع مادی چه در اطراف خودمان و چه در سطح جهان، محدود است. این طور نیست که همه چیز به قدر کافی برای همگان وجود داشته باشد. اگر این طور بود بخش عمدهٔ مردم جهان، در فقر و فلاکت به سر نمی‌بردند یا لااقل زندگی اکثریت مردم جهان در حد متوسط و زیر متوسط متوقف نمی‌ماند.

در این اوضاع و احوال آشفته و بحرانی و ناعادلانه، هرکدام از ما خیلی که همت کنیم، بتوانیم گلیم این زندگی روزمره خودمان را از آب بیرون بکشیم، بتوانیم رفاه و آسایش خودمان و یا افراد تحت تکفلمان را فراهم کنیم.

اثر تازه شجاعی را انتشارات کتاب نیستان منتشر کرده است.

شهر به امام می‌نگرد

همزمان با سی‌امین سالگرد ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، برنامه‌های متعدد فرهنگی و هنری در شهر تهران برگزار می‌شود. مدیرکل فرهنگی شهرداری تهران در این باره به فارس خبر داده و براساس اعلام او برپایی نمایشگاه عکس و پوستر «امام در قاب دل‌ها» در مناطق ۲۲گانه شهر تهران، برپایی گذر فرهنگ و هنر در پردیس فرهنگی شمیم روحا... (ره) و راه‌اندازی پاتوق کتاب در حرم امام (ره) از جمله این برنامه‌هاست. براساس توضیحات ابوالفضل رفیع درگذر فرهنگ و هنر پردیس فرهنگی شمیم روحا...، آثار و مکتوبات منتشر شده امام راحل (ره) عرضه می‌شود و نیز برپایی کارگاه‌های هنری و مهارتی شامل برپایی کارگاه‌ها هنری و پخش فیلم و مستندات تاریخی از وقایع انقلاب و مبارزات امام خمینی از سال ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۶۸ از جمله برنامه‌های این پردیس فرهنگی خواهد بود. اجرای هنرهای نمایشی با موضوع «امام و انقلاب» و برگزاری ویژه برنامه‌های اختصاصی در جماران و شهرری نیز از مهم‌ترین برنامه‌های شهرداری تهران در روزهای ۱۲ تا ۱۵ خرداد خواهد بود.

روایت بصری چند عکاس بنگاه عکس گتی ایمیج را از روز تشییع پیکر امام(ره) دنبال کرده‌ایم

شکوه و اندوه

گروه هنر

لابد بارها عکس‌های روز تشییع پیکر امام خمینی(ره) را دیده‌اید. چند تایی‌شان هم آن‌قدر معروفند که فراتر از خاطرات بصری ما ایرانیان رفته‌اند و در جهان عکس خبری جایگاهی پیدا کرده‌اند. بالاخره واقعه، فقط برای ما نبود که مهم بود. در کتاب رکوردهای گینس‌شان نوشته‌اند که مراسم تشییع پیکر امام با حضور ده میلیون و ۲۰۰هزار نفر، پرجمعیت‌ترین مراسم خاکسپاری در تاریخ بوده است.

ما در این گزارش کوتاه تصویری اتفاقا آن دسته از عکس‌ها را که بارها دیده شده‌اند کنار گذاشته و سراغ آن دسته رفته‌ایم که چندان به چشم نیامده‌اند. برای این‌که بتوانیم خطی بصری را از زاویه دیدی منسجم روایت کنیم، بر عکس‌های یک آژانس عکس متمرکز شده‌ایم؛ گتی ایمیج. جالب این‌که این آژانس مهم جهانی، آن روز نه با یک عکاس بلکه با پنج شش عکاس در مراسم ظاهر شده و علاوه بر این، از چند عکاس ایرانی نیز عکس تهیه کرده تا آرشیوش از این روز تاریخی، پر و پیمان باشد. همین باعث شد کار ما هم برای گزینش‌کردن عکس از بین آرشیو عکس‌های این بنگاه عکس، کار ساده‌ای نباشد. این روایت تصویری را دنبال کنید.

اینجا سعی کرده‌ایم بر عکس‌های یک آژانس عکس متمرکز شویم تا روایتی منسجم از روز تشییع پیکر حضرت امام(ره) ارائه داده باشیم

احترام به ننه خاور

آن‌طور که بهبودی در کتابش نوشته، آخرین فرزند آقاسیدمصطفی در ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی در محله رازی خمین (به محله لب رودخانه هم معروف بوده) به دنیا آمده. آقا سیدمصطفی پدر روحا... از بزرگان خمین بوده و مجتهد. دستش هم به دهانش می‌رسیده و در آن وضعیت بلبشوی دوران قاجار، دستگاهی داشته برای خودش و خیلی از مردم محروم را زیر پر و بال خودش می‌گرفته. آقاسیدمصطفی برای نوزادش یک دایه انتخاب می‌کند. اهالی آنجا «ننه خاور» صدایش می‌کردند. این خانم ننه خاور، همسر یکی از تفنگداران آقاسید مصطفی بوده. آن‌طور که در پانوشت صفحات ۲۹ و ۳۰ کتاب آمده ننه خاور تا زمان بازگشت امام(ره) از نجف هم در قید حیات بوده و امام به دیدنش می‌رفته. جالب این که آقاسید مصطفی برای ننه خاور شرط کرده بوده تا زمانی که به روحا... شیر می‌دهد فقط غذایی را بخورد که در خانه پدر نوزاد تهیه شده است.

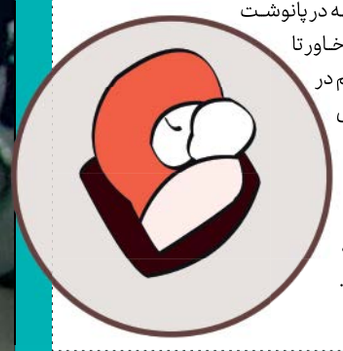

بی‌غیرتی کردید!

روحا... پنج ماهه بود که آقاسید مصطفی برای کاری عازم سلطان‌آباد در نزدیکی خمین شد. راهی که طبق معمول دو روز به طول می‌انجامید. آقاسید مصطفی از بزرگان خمین بود. او در ۳۱ سالگی و در جایگاه یک مجتهد دینی از نجف برگشته و از علمای حوزه نجف اجازه اجتهاد داشت. در خمین هم به مرور تبدیل به یکی از شخصیت‌های خمین شده بود. یادآوری نام او در کنار دیگر علمای محلی، مایه اعتبار شهادت‌نامه‌ها، صلح‌نامه‌ها و استعلام‌ها و اسناد بود. هفت سال قبل از این در سال ۱۲۷۴ شمسی، زمانی که قرار بود نایب‌الحکومه دولت وارد خمین شود، یکی از خان‌های محلی به نام بهرام خان جلوی او را گرفت و با او درگیر شد. هرچند بهرام خان در این درگیری شکست خورد و فرار کرد. او در ادامه مدعی شده که مایملکش که در منطقه مانده، غارت شده. برای رسیدگی به این موضوع از علمای محلی آن دیار استعلام شد که آیا ادعای بهرام خان درست است یا نه.

یکی از این معتمدان محلی آقاسید مصطفی بود. سیدمصطفی شهادت داد که بهرام خان عمده اموالش را با خودش برده و آنچه باقی مانده، چیز قابلی نبوده که ارزش غارت داشته باشد. در ناآرامی‌های بعدی منطقه هم با بهرام خان درگیر شد. سیدمصطفی از اقدام بهرام خان به عنوان شرارت و هرزگی یاد کرده بود. حالا بعد از هفت سال و در راه سلطان‌آباد، برادران بهرام خان فرصت کرده بودند تا کینه قبلی‌شان را بشویند. آنها که در مسیر کمین کرده بودند، در موقعیتی مناسب به سیدمصطفی هجوم بردند و گلوله از فاصله‌ای نزدیک به قلب او اصابت کرد. سیدمصطفای مجتهد پیش از آن‌که از اسب به زمین بیفتد این جمله را خطاب به آنها بر زبان آورد: «بی غیرتی کردید!» سیدمصطفی هنگام شهادت ۴۱ ساله و آخرین فرزندش روحا...، پنج ماهه بود.

در پناه مادر و عمه

هرچند آقا روحا... در دوران نوزادی، سایه پدر را از دست داد، اما دو پناهگاه دیگر را در نزدیک خود داشت. اگر سریال «صنوبر» را دیده باشید احتمالا می‌دانید که از چه صحبت می‌کنیم. هاجر آغاز خانم احمدی مادر آقا روحا... تا ۱۶ سال بعد از شهادت همسرش، زندگی‌اش را وقف روحا... و پنج فرزند دیگر خود کرد. او علاوه بر این امور، ماترک همسرش را هم مدیریت می‌کرد. شریک مدبرش در این امور، خواهرشوهرش صاحب‌خانم بود. عمه آقا روحا... با این‌که در زمان از دست دادن همسرش به سن میانسالی هم نرسیده بود اما از ازدواج دوباره خودداری کرد. آقا روحا... بعدها از مادرش این چنین یاد می‌کند: «خاطره لالایی گفتنش با گیسوان بافته در دو طرف گونه‌اش هنوز در ذهنم نقش بسته است!» صاحب خانم عمه آقا روحا... هم نقش پررنگی در خاطرات دوران کودکی آقا روحا... داشت. او از عمه‌اش چنین یاد می‌کند: «زن شجاع و مدبری بود. پس از شهادت پدرم، خانه خود را رها کرد و به خانه ما آمد و مدیریت خانه، امور تحصیلی، املاک و برداشت محصولات را همه بر عهده گرفت. سپس برای قصاص قاتل پدرم با مادر و برادرم و چند نفر دیگر به تهران عزیمت کرد... از مادر درس دینداری و از عمه‌ام درس روابط اجتماعی گرفتم.» اجازه بدهید باز هم برگردیم به سریال صنوبر، نقش عمه آقا روحا... را پریوش نظریه بازی کرده بود.

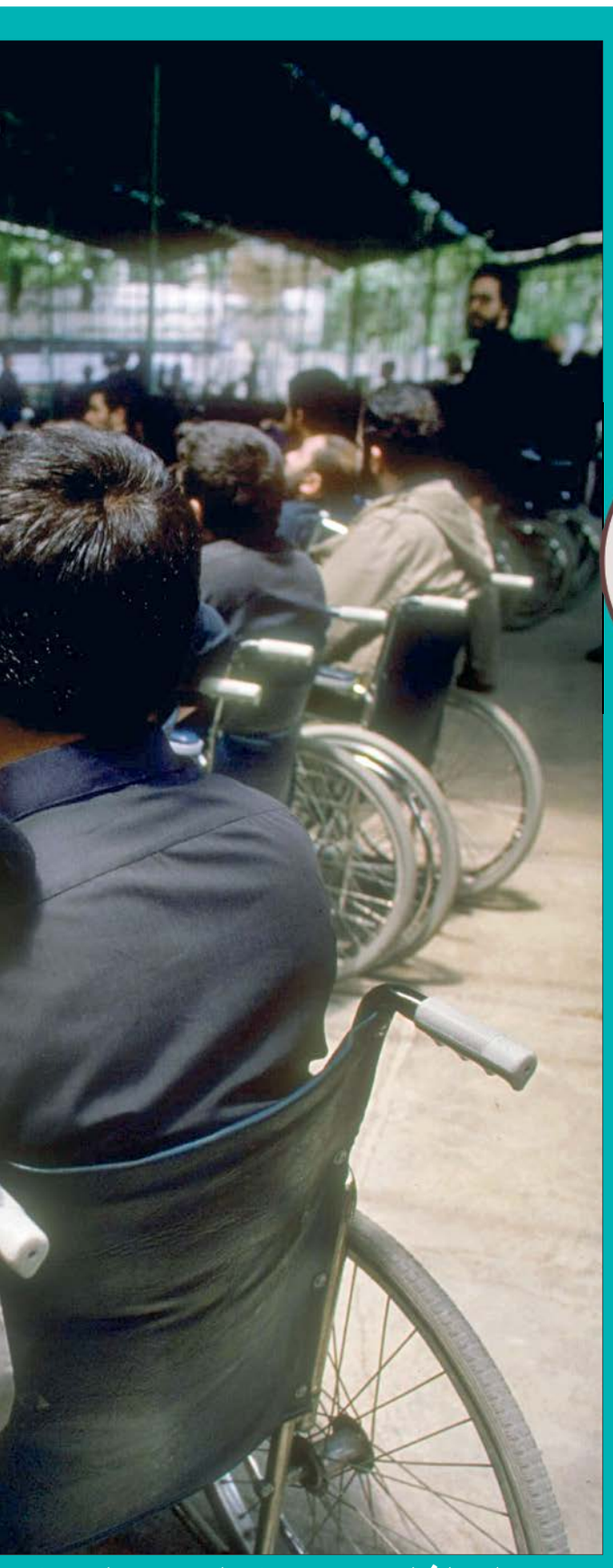

همزمان با فرا رسیدن ۱۴ خرداد چند روایت خص

الفبای

محمدصادق علیزاده

دبیر گروه فرهنگ

حدود یک سال قبل بود که «الف لام خمینی» را دست گرفتم. واقعیتش را بخواهید خودم هم فکر نمی‌کردم بعد از مدت‌ها چیزی پیدا شود که این شکلی مرا سر شوق بیاورد.

لذت مرور زندگی‌نامه‌وار تاریخی یک شخصیت مهم تاریخی در تاریخ معاصر ایران، آن هم در تار و پود حوادث فرهنگی و اجتماعی و سیاسی زمان خودش، آنقدر جذاب بود که کتاب ۱۱۰۰ صفحه‌ای در سه چهار روز تمام شود.

پستی هم در مدح آن در صفحه شخصی‌ام در اینستاگرام

عروسی خوبان

جالب است بدانید که جلسه خواستگاری آقا روحا... ۲۹ ساله در اول ماه رمضان و ۱۲ بهمن ۱۳۰۸ هجری شمسی برگزار شده. روایت هدایت‌ا... بهبودی در کتاب آنقدر جذاب هست که مرورش خالی از لطف نباشد: «زمستان ۱۳۰۸ و اول ماه رمضان و ۱۲ بهمن بود که آقا روحا... و برادرانش به تهران به منزل پدر خدیجه آمدند. خانم‌ها زمینه را برای دیدن داماد آماده کردند. خدیجه از اتاقی دیگر، روحا... را براندازکرد. خودش می‌گوید آقا کمی زردچهره بود و لاغراندام. سیدی بود ساده و بی‌آلایش. تو گویی مهمان ما برای مجلس درس مهیا بود نه برای مجلس خواستگاری... تنها چیزی که به‌راحتی می‌شد در سیمای داماد یافت اتکا به نفس بود و بس. پنداری همه چیز را به هیچ می‌انگاشت.»
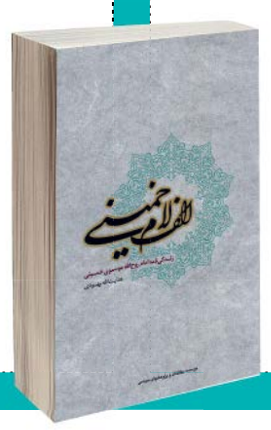
خواستگار و همراهان، تهران را ترک نکردند و در خانه آقای ثقفی ماندند. در پی کاشانه‌ای بودند که اجاره کرده و عروس را به خانه بخت ببرند. قرار بر این شده بود که در تهران عروسی کنند سپس به قم بروند. خانه خیلی زود پیدا شد. در نزدیکی پامنار در کوچه میرزامحمد وزیر با سه اتاق. وقتی خدیجه آنجا را دید متعجب و حیران ماند. اینجا همان خانه‌ای بود که در خواب دیده بود. اتاق‌ها همان اتاق و حیاط هم همان حیاط. حتی پرده‌ها هم همان پرده‌هایی بود که